

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجموعه‌ی مقالات

اشیاء تاریخی - فرهنگی حسلو

پژوهش

دکتر اسکار وایت ماسکارا

گردآوری و ترجمه

صمد علیون (خواجہ دیزج)، علی صدرائی

سرشناسه	: علیون، صمد، ۱۳۵۹ - گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه‌ی مقالات اشیاء تاریخی - فرهنگی حسلو / گردآوری و ترجمه صمد علیون، علی صدرانی
مشخصات نشر	: تهران: گنجینه هنر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۲ ص: مصور.
شابک	: ۳-۳۳-۸۷۵۶-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی:
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: حسلو -- حفاری‌ها (باستان‌شناسی)
موضوع	: حسلو -- آثار تاریخی
شناسه افزوده	: صدرانی، علی، ۱۳۴۵ - گردآورنده، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۸۳ع/ح ۵۵ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۳۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۸۸۱۷۹
Individual Finds from Hasanlu, Iran	



مجموعه‌ی مقالات اشیاء تاریخی - فرهنگی حسلو

گردآوری و ترجمه: صمد علیون خواجه‌دیزج / علی صدرانی

ویرایش: دکتر محمد مرتضایی

تدوین، حروفچینی و صفحه‌آرایی: خدمات نشر جام زرین (صمد علیون / مجید صوفیانی)

چاپ اول: ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / ۱۷۲ صفحه / قطع وزیری

لینوگرافی/چاپ و صحافی: نقش آور / فارابی

شابک: ۳-۳۳-۸۷۵۶-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان ستارخان، خیابان تهران ویلا، خیابان شهید زارع، پلاک ۵۸ طبقه ششم.

تلفن: ۶۶۵۱۱۸۲۳ - ۰۲۱

سخن مترجمان

زمانی که دکتر رابرت هنری دیسون در عنوان جوانی با بودجه‌ی ۳۰۰۰ دلاری دانشگاه پنسیلوانیا تیمی باستانی چسبیده به روستای امروزی حسلو را برای حفاری برگزید شاید حتی محمد تقی مصطفوی، رئیس وقت اداره‌ی باستان‌شناسی ایران، و رومان گیرشمن نیز که وی را به انجام حفاری در این تپه توصیه کرده بودند گمان نمی‌کردند این تپه شماری از درخشان‌ترین تمدن‌های منطقه از هزاران سال پیش از میلاد مسیح و ابعادی از زندگی انسان در خطمی آذربایجان به ویژه در دوران آهن را نمایان سازد که مثال آن در دنیا حداقل بسیار کم سابقه است. از اقبال بالای این باستان‌شناس ۲۹ ساله پژوهش‌های میدانی او بسیار زود به ثمر نشست و کشف جام زرین حسلو بهانه‌ای برای توقف کاوش‌های هیئت مشترک ایرانی و آمریکایی در حسلو و سایر تپه‌های اقماری آن باقی نگذاشت. این حوادث سر آغاز یکی از طولانی‌ترین برنامه‌های حفاری در تاریخ باستان‌شناسی ایران بود و این هیئت به مدت ۲۱ سال به اجرای حفاری و بررسی‌های باستان‌شناختی گسترده در دره‌های حاصلخیز سولدوز و اشنویه پرداخت. مطالعه و تحلیل داده‌های حفاری‌های حسلو و تپه‌های باستانی اقماری آن هنوز هم در قالب پژوهش‌های کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی بسیار پیشرفته در دانشگاه‌های ایالات متحده ادامه دارد و هر سال مقالات کتب و پایان‌نامه‌های متعددی پیرامون این محوطه‌ها در منابع مختلف به چاپ می‌رسد.

با تمامی این اوصاف به دلیل عدم انتشار گزارش نهایی حفاری‌های این هیئت به واقع این پژوهش‌های گسترده هنوز کامل نشده و به بار ننشسته است. نیز به همین علت بوده که به رغم اهمیت و عظمت بسیار زیاد تپه‌ی حسلو، در کتاب‌های باستان‌شناسی فارسی در بهترین شرایط تنها اشاراتی گذری به نام محوطه‌ی حسلو شده و این در حالی است که کل باستان‌شناسی شمال غرب ایران بر بنیان یافته‌های همین محوطه استوار است. پژوهشگران آمریکایی علت عدم انتشار گزارش نهایی حفاری‌های خود را حجم بسیار عظیم داده‌ها و اطلاعات خام حاصل از حفاری دانسته‌اند، اما این ادعا به رغم آن که از واقعیت نیز بهره‌ای دارد بی‌گمان نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای نهن کنج‌کاو پژوهشگران و علاقمندان ایرانی باشد.

پس از حدود پنجاه سال از اتمام پژوهش‌های میدانی، پژوهشی حسلو، اکنون بسیاری از اعضای اصلی آن به سبب کهنسنت و بازنشستگی تقریباً صحنه را ترک کرده و جای خود را به پژوهشگران جوان‌تر داده‌اند البته این امر مایه‌ی بسی امیدواری است زیرا حرکت رو به جلو این پروژه را تضمین می‌کند و ما را به انتشار گزارش نهایی حفاری‌های این هیئت حداقل در مورد خود تپه‌ی حسلو، امیدوار می‌سازد. اولین رد آورد این واقعه چاپ گزارش نهایی دوره‌ی اول تمدن‌های تپه‌ی حسلو از سوی دکتر مایکل دانتی بوده که ترجمه‌ی فارسی آن نیز با عنوان تپه حسلو، نورد ایلیخانی، به همراه پانزده کتاب دیگر در همین موضوعات از سوی پژوهشی ترجمه‌ی حسلو، ترجمه و منتشر شده است. کتاب حاضر هفدهمین مجلد از سری انتشارات «پروژه‌ی ترجمه‌ی حسلو» است که به جامعه‌ی علمی کشور و دوستداران فرهنگ و تمدن خطمی آذربایجان عرضه می‌شود.

در خاتمه از زحمات تمامی عزیزانی که در فراهم آمدن این کتاب ما را به انجای مختلف یاری کردند قدر دانی می‌شود؛ همانند همیشه دکتر اشتخان کروزل از دانشگاه مونیخ و دکتر گابریل پیسورنو از دانشگاه پنسیلوانیا تلاش‌ها و مساعدت‌های ارزنده‌ای را در تمامی زمینه‌ها داشتند. آقای پل کولینز از موزه‌ی بریتانیا با قبول زحمت متن اصلی مقاله‌ی خود را از طریق پست برای ما ارسال کردند. نویسندگان مقالات با نهایت صبر و حوصله به پرسش‌ها و ابهامات موجود در خصوص متن و مفهوم نوشته‌های خود به کرات پاسخ دادند. خانم دکتر میشل مارکوس در مکاتبات مفصل ما را از راهنمایی‌ها و توضیحات ارزنده‌ی خویش بهره‌مند ساختند. و در نهایت آقای دکتر مایکل دانتی استاد دانشگاه بوستون و پژوهشگر دانشگاه پنسیلوانیا بخشی از وقت گرانبهایشان را در تعطیلات سال نو میلادی به نوشتن پیشگفتار کوتاهی برای کتاب حاضر اختصاص دادند.

فهرست مطالب

پیشگفتار دکتر مایکل دانتی	۵
مقدمه	۹

بخش اول: کاسه‌ی شیردیس

فصل اول کشف یک «کاسه‌ی شیردیس» از حسنلو (مائوریتس فان لون)	۱۷
فصل دوم «کاسه‌های شیردیس از حسنلو» (اسکار وایت ماسکارلا)	۲۷
فصل سوم سومین کاسه‌ی شیردیس از حسنلو (اسکار وایت ماسکارلا)	۳۷

بخش دوم: سنجاق قفلی

فصل چهارم سنجاق قفلی مشکوفه از حسنلو (اسکار وایت ماسکارلا)	۴۵
--	----

بخش سوم: اشیای شیشه‌ای

فصل پنجم ظروف شیشه‌ای معرق حسنلو: ... (میشل مارکوس)	۶۱
فصل ششم سه پلاک شیشه‌ای از حسنلو (ماد دو شاننسی)	۱۱۱

بخش چهارم: سنجاق شیردیس

فصل هفتم نگاهی دوباره به سنجاق‌های شیردیس حسنلو (اسکار وایت ماسکارلا)	۱۲۱
---	-----

بخش پنجم: پلاک عاج

فصل هشتم پلاک عاج آشوری از حسنلو (پل کولیتز)	۱۴۳
--	-----

فهرست منابع	۱۶۱
نمایه	۱۶۵

پیوست

فهرست منتشرات «پروژه‌ی ترجمه‌ی حسنلو»	۱۶۷
---------------------------------------	-----

تقدیم به خانواده محترم سرور ارجمند

جناب آقای سید جلال الدین ماشی‌نیا

پیشگفتار دکتر مایکل دانتی

(دانشگاه بوستون)

از بدو آغاز فعالیت پروژه‌ی حسلو به سرپرستی دکتر رابرت هنری دایسون در سال ۱۹۵۶ میلادی، تقریباً تمامی گزارش‌ها و نتایج مطالعات این پروژه به زبان انگلیسی و مهم‌تر از آن به طور کاملاً پراکنده در سری کتاب‌ها، مجلات و نشریات داخلی متعدد چاپ شده است. کتاب حاضر که از سوی «پروژه‌ی ترجمه‌ی حسلو» ترجمه شده دربرگیرنده‌ی مقالات ارزشمند متعددی است که در اقدامی خوشایند در یک مجلد گردآوری و جمع‌بندی شده و در زمینه‌ی تحقیقات باستان‌شناختی پرشوری که در حال حاضر از سوی نسل جدید پژوهشگران (حیدری ۲۰۰۷، هزبری نوبری ۲۰۰۲، رضوانی ۲۰۰۴، رضوانی و روستایی ۲۰۰۷، طلائی ۲۰۰۷، ملازاده ۲۰۰۸، طلائی و علیاری ۲۰۰۹) به پیروی از آقایان علی حاکمی، محمود راد، عزت الله نگهبان و صادق ملک شه میرزادی انجام می‌شود بسیار سودمند خواهد بود. در مقالات موجود در این کتاب غنا و تنوع غیر قابل باور فرهنگ مادی دوره‌ی چهارم ب حسلو (۱۰۵۰-۸۰۰ ق.م.) - دوران آهن دوم در گاهنگاری منطقه‌ی شمال غرب ایران - نمایان می‌شود.

یکی از نقاط قوت پروژه‌ی حسلو اجرای مطالعات تخصصی بر روی دوران آهن دوم با تمرکز بر اشیای خاص از قبیل ساغر شیشه‌ی معرق معروف مکشوفه از حسلو، یا مقوله‌های خاص اشیای نظیر کاسه‌های شیردیس و عاج‌ها بوده است. از نقاط ضعف این پروژه نیز می‌توان به عدم تهیه و انتشار گزارش‌های مبسوط پیرامون لایه‌نگاری، معماری و سفال‌های محوطه‌های حفاری شده اشاره داشت. «پروژه‌ی انتشارات حسلو» دانشگاه بوستون و دانشگاه پنسیلوانیا سعی دارد تا این نقیصه را برطرف نماید.

دکتر اشتفان کرول در حال حاضر به مطالعه‌ی بقایای دوره‌های اورارتویی و هخامنشی در حسلو اشتغال دارد و به یافته‌های مهمی در زمینه‌ی گاهنگاری دوره‌های اخیر حسلو دست یافته است (2010a, 2011a, 2011b, In Press a, In Press b). مهم‌ترین یافته‌ی پروفور کرول مربوط به حصار اورارتویی دور محوطه و «دوره‌ی سوم ب» طبق تعریف دایسون است. به نظر می‌رسد عملیات احداث این حصار

اورارتویی نیمه تمام مانده و یا پس از احداث هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است؛ و قدمت بناهای واقع در فضای داخلی این حصار به دوره‌ی جدیدتر آهن سوم بر می‌گردد. در واقع این حصار اورارتویی باید به صورت دوره‌ی سوم پ (= IIIc) نام‌گذاری شود و طبقه‌ی سکونت که سابقاً مرتبط با آن تلقی می‌شد به صورت دوره‌ی سوم ب (= IIIb). پروفیسور کرول هم‌چنین بخش واقع در غرب تپه‌ی مرکزی را که دایسون شبکه‌های راه‌های ورودی سه گانه نامیده بود به طور کامل مورد ارزیابی مجدد قرار داده و به این نتیجه رسیده که این بخش در واقع محل یک اسطبل بوده است.

تحقیقات اخیر نگارنده بر روی حسنلو که ماحصل مرور و بررسی دوازده ساله‌ی داده‌ها و اسناد حفاری‌های موجود در دانشگاه پنسیلوانیا است نشان می‌دهد بازنگری‌های جدی در گاهنگاری هزاره‌ی دوم ق.م. - دوره‌ی که قبلاً از سوی تودور کایلر یانگ «افق سفال خاکستری غربی قدیم» و از سوی دایسون «دوره‌ی پنجم حسنلو» و «دوران آهن اول» نام‌گذاری شده بود (Young 1965؛ Dyson 1965) - باید صورت گیرد. نگارنده در نشریات آتی خود (Danti In Press a؛ Danti In Press b؛ Danti In Press c؛ Danti Forthcoming) این دوره را به سه دوره‌ی جدید تقسیم خواهد کرد:

- عصر مفرغ میانی سوم (۱۶۰۰-۱۲۵۰ ق.م.) یا دوره‌ی ششم الف حسنلو
- عصر مفرغ جدید (۱۲۵۰-۱۰۵۰ ق.م.) یا دوره‌ی پنجم حسنلو
- عصر آهن اول (۱۰۵۰-۱۲۵۰ ق.م.) یا دوره‌ی چهارم پ (= IVc) حسنلو

مهم‌ترین یافته‌ی نگارنده پس از مرور و بررسی داده‌های حفاری‌های حسنلو و دینخواه تپه آن است که نظریه‌های مبتنی بر مهاجرت که دایسون، کایلر یانگ و پژوهشگران دیگر در تبیین ریشه‌های افق سفال خاکستری در منطقه‌ی شمال غرب ایران عرضه کرده‌اند فاقد اعتبار است. دوره‌ی موسوم به «افق سفال خاکستری» که نگارنده اکنون در اشاره به آن از اصطلاح «افق سفال داغدار تک‌رنگ» استفاده می‌کند همانند سایر افق‌های «سفال خاکستری» در مناطق شمال و غرب ایران از بطن سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی عصر مفرغ میانه (۱۶۰۰-۱۲۵۰ ق.م.) حوضه‌ی دریایچه‌ی ارومیه ظهور کرده است. نتایج پژوهش‌های نگارنده در کتاب جدید Oxford Handbook of Iranian Archaeology (به ویراستاری دانیل پاتس) و در کتابی با عنوان دوره‌ی پنجم حسنلو: ارزیابی مجدد دوره‌های مفرغ جدید و آهن اول (Hasanlu V: A Re-evaluation of the Late Bronze and Iron I Periods) منتشر خواهد شد. در کتاب اخیر نگارنده برای اولین بار تمامی داده‌های مربوط به معماری، لایه‌نگاری و سالیابی‌های رادیوکربن آنچه را که قبلاً «دوره‌ی پنجم» خوانده می‌شد و نیز اشیای تدفینی مقابر و توالی سفالی دوره‌ی مربوط به برهه‌ی زمانی ۱۶۰۰-۱۰۵۰ ق.م. را ارائه می‌کند.

هنوز هم می‌توان نکات جدید بسیار زیادی را از مطالعه‌ی دقیق داده‌های باستان‌شناختی حسنلو، دینخواه تپه و سایر محوطه‌های دشت‌های سولدوز و اشتویه آموخت، اما نیاز به اجرای تحقیقات

باستان‌شناسی جدید با بهره‌گیری از شیوه‌های مدرن و رهیافت متمرکزتر در بخش‌های جنوبی حوضه‌ی دریاچه‌ی ارومیه جهت حصول شناخت و درک بهتر از فرهنگ‌های هزاره‌های دوم و اول ق.م. هر روز بیش از پیش احساس می‌شود.

فهرست منابع پیشگفتار

- Danti, Michael D. In Press a. "The Artisan's House of Hasanlu Tepe, Iran." *Iran* 49.
- In Press b. "Hasanlu VI-IV: Overview and Recent Revisions." In *Der archäologische Befund und seine Historisierung. Dokumentation und ihre Interpretationsspielräume*, Tagung Innsbruck 2009.
- In Press c. "The Monochrome Burnished Ware and Late Buff Ware Horizons in Iranian Azerbaijan and Kurdistan." In Daniel Potts, ed. *Oxford Handbook of Iranian Archaeology*.
- Kroll, Stephan. 2010. "Urartu and Hasanlu." In A. Kosyan, A. Petrosyan, and Y. Grekhan, eds. *Urartu and its Neighbors. Aramazd V/2* (Yerevan), pp. 21-35.
- 2011a. "Urartian Cities in Iran." In K. Köroğlu and E. Konyar, eds. *Urartu: Transformation in the East*. (Istanbul: Yapı Kredi Yayınları), pp. 150-169.
- 2011b. "Salmanassar III. und das frühe Urartu." In S. Kroll, C. Gruber, U. Hellwag, M. Roaf, P. Zimansky, eds. *Biainili-Urartu. Acta Iranica* 51. (Leuven: Peeters), pp. 187-194.
- In Press a. "On the Road(s) to Nowhere: A Re-analysis of the Hasanlu 'Tripartite Road System' in Light of the Excavated Evidence." (Münster: Ugarit Verlag).
- In Press b. "Hasanlu III und die stratigraphische Evidenz der Triangle Ware." In *Der archäologische Befund und seine Historisierung. Dokumentation und ihre Interpretationsspielräume*, Tagung Innsbruck 2009.
- Dyson, Robert H., Jr. 1965. "Problems of Protohistoric Iran as seen from Hasanlu." *Journal of Near Eastern Studies* XXIV 3: 193-217.
- Heydari, Reza. 2007. "The Results of Second Season of Archaeological projects at Rabat, Sardasht." (in Farsi) *Archaeological Reports on the Occasion of the 9th Annual Symposium on Iranian Archaeology* 7 (vol. 1), pp. 201-229.
- Hojabri Nobari, Alireza. 2004. "Excavations of Masjed-e Kabud in Tabriz: Its place among Contemporaneous Iranian Iron Age Sites." (in Farsi) In M. Azarnoush, ed.

- Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region*. (Tehran: Iranian Center for Archaeological Research), pp. 265-276.
- Mollazadeh, Kazem. 2008. "The Pottery from the Mannaeen Site of Qalaichi, Bukan (NW-Iran)." *Iranica Antiqua* 43: 107-125.
- Muscarella, O. White. 2006. "The Excavation of Hasanlu: An Archaeological evaluation." *Bulletin of the American Schools of Oriental Research* 342: 69-94.
- , 2011. "Hasanlu and Urartu." In S. Kroll, C. Gruber, U. Hellwag, M. Roaf, P. Zimansky, eds. *Biainili-Urartu. Acta Iranica* 51. (Leuven: Peeters), pp. 265-279.
- Rezvani, Hasan. 2004. "Kul Tarikeh Cemetery." In M. Azamoush, ed. *Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology: Northwestern Region* (Tehran), pp. 81-110.
- Rezvani, Hasan and Kourosh Roustaei. 2007. "Preliminary Report on Two Seasons of Excavations at Kul Tarike Cemetery, Kurdistan, Iran." *Iranica Antiqua* 42: 139-184.
- Tala'i, Hassan. 2007. "The Iron II (ca. 1200-800 B.C.) Pottery Assemblage at Haftavan IV—NW-Iran." *Iranica Antiqua* 42: 105-123.
- Tala'i, Hassan and Ahmad Aliyari. 2009. "Haftavan IV (Iron II) Settlement Cemetery: NW-Iran, Azerbaijan." *Iranica Antiqua* 44: 89-112.
- Young, T. Cuyler, Jr. 1965. "A Comparative Ceramic Chronology for Western Iran, 1500-500 B.C." *Iran* 3: 53-85.

مقدمه

صمد علیون، اسکار وایت ماسکارا، علی صدرانی

بی شک بهترین راه شناخت و آشنایی با میراث معنوی گذشتگان که هرگز به صورت فیزیکی در بافت های باستانی به یادگار نمی ماند مطالعه ی آثار هنری و اشیایی است که در کاوش های علمی محوطه های باستانی به دست می آید و ترجمان هر فرهنگ و تمدن و شئون مذهبی و اجتماعی و سیاسی مردمان باستان و پنجره ای بی بدیل به روی زندگی یاکانی است که هزاران سال پیش پس از توفقی کوتاه در این کره ی خاکی رهسپار جایگاه ابدی خویش شده اند. البته، شرط تحقق این امر وجود تعداد کافی از این اشیاء در یک محوطه ی واحد است یا محقق بتواند بر اساس مطالعات درون محوطه ای و تطبیقی به نتایجی قابل اطمینان دست یابد. تپه ی کهن و استواری که روستای امروزی حسنلو به پشتوانه ی آن قد برافراشته یکی از محوطه هایی است که در این زمینه در سطح جهان کم سابقه می باشد. این تپه را جهانیان به نام همین روستا یعنی تپه ی حسنلو می شناسند.

حسنلو بزرگ ترین تپه ی باستانی دشت سرسبز سولدوز و یکی از چند محوطه ی باستانی مهم ایران است. این تپه در عهد باستان به ویژه در اعصار مفرغ و آهن موطن مردمان یکجانشینی بود که آثار معماری و فرهنگی باشکوهی را از خود به یادگار گذاشته اند. تپه ی کهن حسنلو به فاصله ی اندکی در ساحل جنوبی دریاچه ی ارومیه در ۹ کیلومتری شمال شرقی شهرستان نقده قرار دارد. شاخه هایی از رود گدار از کنار این تپه عبور می کند و بی شک نقش بسزایی در بارور شدن درخت تناور فرهنگ و تمدن آن داشته است. قسمت مرکزی تپه ی باستانی حسنلو، موسوم به «تپه ی مرکزی» یا «تپه ی ارگ»، حدود ۲۵ متر ارتفاع و ۱۳ هکتار مساحت دارد و پیرامون آن را تپه های کوتاه تری با

حدود ۸ متر ارتفاع و حداقل ۲۳ هکتار مساحت فرا گرفته که در مجموع به «تپه‌ی جانبی» یا «شهر پیرامونی» شهرت یافته است.

به لطف حفاری‌های علمی دامنه‌دار و دقیق هیئت مشترک ایرانی-آمریکایی در حسلو، پژوهشگران مختلف در دهه‌های اخیر توانسته‌اند با استفاده از داده‌های عظیم موجود از این محوطه با انجام مطالعات تخصصی گسترده با پیشرفته‌ترین روش‌های آزمایشگاهی بر روی سفال‌ها، اشیای فلزی، اسکنه‌ها، میته‌ها و سایر یافته‌های آن در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا و طرح‌های تحقیقاتی مستقل سطح اعجاب‌انگیز و غیر قابل باور صنعت و تخصص انسان‌های باستانی ساکن در منطقه را نمایان سازند. حجم و بستر باستان‌شناختی یافته‌های حسلو به حدی مطلوب و باب طبع باستان‌شناسان بوده است که حتی برخی از آنان به این فکر افتاده و این جرأت را به خود داده‌اند تا بر مبنای آنها مطالعات حسلو را به حوزه‌های کاملاً جدید و پیچیده از قبیل مطالعه‌ی نقش و جایگاه زنان باستان در امور سیاسی و اجتماعی وارد نمایند. در همین راستا، میشل مارکوس به این باور رسیده است که اگر بتوان در محوطه‌ای باستانی به بررسی و مطالعه‌ی رابطه‌ی میان نوع زیورآلات شخصی استفاده‌شده و منزلت و پایگاه اجتماعی افراد پرداخت این محوطه تنها تپه‌ی حسلو خواهد بود (مکاتبه‌ی شخصی با خانم دکتر میشل مارکوس به تاریخ ۱۵ نوامبر سال ۲۰۱۰ میلادی).

هزاران قطعه انواع مختلف اشیاء با کارکردهای گوناگون و از جنس مواد بسیار متنوع از تپه‌ی حسلو به دست آمده که البته تعداد دقیق آنها یا مشخص نیست و یا بنا به دلایلی هرگز ذکر نشده است! بی‌هیچ تردیدی، ارزشمندترین و مشهورترین یافته‌ی حفاری‌های این تپه «جام زرین حسلو» می‌باشد که با کشف خود نام محوطه را در سطح جهان برآوازه ساخته است. با این حال، از حسلو اشیای پرشمار دیگری نیز یافت شده که توأمان از ارزش و اهمیت علمی و هنری بسیار بالایی برخوردار است و سطح پیشرفت فن‌آوری در جوامع باستانی ساکن در منطقه‌ی شمال غرب ایران یا آذربایجان را می‌نمایاند. در مجلد حاضر گزارش مطالعات تخصصی بر روی گریده‌ای از یافته‌های منحصربه‌فرد حسلو گردآوری و عرضه شده است. لازم به ذکر است امسال (۱۳۹۰) کتاب جدیدی با عنوان *مردمان و حرف دوره‌ی چهارم ب حسلو* به ویراستاری خانم دکتر ماندو شائسی از سوی انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا چاپ شد که ابعاد تازه‌ای از زندگی جامعه‌ی باستانی حسلو را بازگو می‌کند. ترجمه‌ی فارسی این کتاب به یاری پروردگار به زودی توسط همین مترجمان پیشکش خواهد شد.

«کاسه‌های شیردیس» (lion bowls) که سه نمونه از آنها در میان یافته‌های حسلو دیده می‌شود یکی از گونه‌های اشیای منحصربه‌فردی است که از هیچ یک از سایر محوطه‌های باستانی در داخل ایران یافت نشده است. کارکرد قطعی این ظروف مشخص نیست و فرضیه‌های مختلفی در این زمینه مطرح

شده است. دایسون (1989, 123-124, fig. 22) این ظروف را به اشتباه عودسوز خوانده بود. به نظر می‌رسد این ظروف در اصل به ظرف یا شیء بزرگ‌تری تعلق داشت که در آیین باده‌افشانی یا ریختن شراب مقدس در مراسم مذهبی استفاده می‌شد (van Loon 1962, 19). لازم به ذکر است در ترجمه‌های قبلی در اشاره به این ظروف از عبارت‌های «کاسه‌ی شیر» و «ظرف آیینی در چنگال شیر» استفاده شده است، اما در کتاب حاضر به جهت سهولت از عبارت «کاسه‌ی شیردیس» استفاده می‌شود که قطعاً باید در مقام یک اصطلاح به آن نگریسته شود.

این ظروف به مقوله‌ی بزرگی از اشیای ارزشمند تعلق دارد که در طیف وسیعی از ابعاد، تزئینات، مواد اولیه و سطح کیفی ساخته شده و بی‌گمان هر یک در زمینه‌های متفاوتی به کار گرفته شده است. مواد اولیه‌ی به‌کاررفته در ساخت این ظروف عاج، سنگ آهک، سنگ صابون، سرپتین و نوعی ماده‌ی مصنوعی موسوم به «آبی مصری» را در بر می‌گیرد. کارکردهای متفاوتی برای این اشیاء پیشنهاد شده که از مصارف شخصی (به عنوان بزرگ‌ها) تا آیینی (عودسوز، بازوی ظرف بخور یا ظرف می‌افشانی) را شامل می‌شود. به غیر از تعداد زیاد نمونه‌های مکشوفه از محوطه‌ی نمرود (که آن را می‌توان به حجم بسیار بالای غنایمی که از شهرهای تسخیرشده‌ی سوریه به پایتخت آشور آورده شده بود و نیز اجرای حفاری‌های بسیار گسترده در محوطه‌ی نمرود نسبت داد)، محل کشف اکثر کاسه‌های شیردیس موجود محوطه‌های واقع در قلمرو سوریه‌ی باستان است. از این رو، گفته می‌شود محل ساخت این اشیاء را باید در سوریه جستجو کرد. این اشیاء از سوریه به مناطق شرقی تا حسلو و به مناطق غربی تا ساموس صادر شده بود. سبک ساخت و تزئینات این اشیاء نیز از ساخت و پرداخت آنها در سوریه حکایت دارد (Fritz 1987, 233-234). مهم‌ترین اهمیت کشف این اشیاء از حسلو کمک آنها به مطالعه‌ی شبکه‌های تجاری و مناسبات تجاری منطقه‌ی آذربایجان با همسایگان خود در عصر آهن است و عدم کشف نمونه‌های آنها از سایر محوطه‌های ایرانی اهمیت مطالعه‌ی آنها را دوچندان می‌سازد. در بخش اول کتاب حاضر، سه کاسه‌ی شیردیس مکشوفه از حسلو به قلم دکتر مانوریتس فان لون و دکتر اسکار وایت ماسکارلا معرفی و توصیف می‌گردد.

یکی از بحث‌انگیزترین دوره‌های تمدنی در محوطه‌ی حسلو و به طور کلی در شمال غرب ایران «دوره‌ی سوم» است که با عصر امپراطوری اورارتوها تقارن می‌یابد. در جدول گاه‌نگاری منطقه‌ی سولدوز که عمدتاً بر مبنای نتایج حفاری‌های حسلو و تپه‌های اقماری آن تنظیم شده است دوره‌ی سوم تا سال ۱۹۶۳ میلادی یک دوره‌ی واحد قلمداد می‌شد. در آن سال، دایسون (1963, 131-132) این دوره را به دو فاز فرعی الف و ب تقسیم می‌کند. اما، تجدید نظر در این دوره به این جا خلاصه نمی‌شود و اکنون دکتر اشتفان کروول بر مبنای مطالعه‌ی دقیق و بلندمدت یافته‌های این دوره آن را به

سه فاز فرعی یا حتی سه دوره مجزا قابل تقسیم می‌داند (مکاتبه‌ی شخصی با پروفیسور کرول به تاریخ ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۱ میلادی؛ نتایج مطالعات دکتر کرول به زودی در قالب کتابی با موضوع گزارش نهایی دوره‌ی سوم حسنلو انتشار خواهد یافت).

در بالا اشاره شد که این دوره به طور کلی با دوره‌ی اورارتو مقارن است و اساس این ادعا اشیا و بقایای معماری به‌جامانده در لایه‌های فرهنگی این دوره در حسنلو است. یکی از مقوله‌های شاخص اشیای اورارتویی که در تاریخ‌گذاری دوره‌ی سوم حسنلو به آنها استناد می‌شود «سنجاق‌های قفل‌ی» است. سنجاق قفل‌ی که دکتر ماسکارالا در بخش دوم کتاب حاضر پیرامون آن به بحث می‌پردازد اولین نمونه‌ای است که از حسنلو کشف شده است. البته، در فصول بعدی کاوش‌های حسنلو تعداد زیادی از این اشیا از این محوطه به دست آمده به طوری که دایسون و ماسکارالا (1989, 20) به وجود «حداقل هشت سنجاق قفل‌ی اورارتویی» اشاره می‌کنند. در این مقاله ماسکارالا به تفصیل پیرامون انواع مختلف سنجاق‌های قفل‌ی به بحث می‌پردازد، اما پیشرفت‌های جدید و کشف نمونه‌های بیشتر این اشیا هم از حسنلو و هم از محوطه‌های دیگر بی‌گمان انجام مطالعه‌ی مبسوط دیگر بر روی این اشیای شاخص را الزامی ساخته است. شایان ذکر است، هر چند ماسکارالا این سنجاق قفل‌ی را به دوره‌ی سوم ب حسنلو منتسب کرده و برای آن نمونه‌های مشابه اورارتویی ذکر کرده است، اما تحت تأثیر دیدگاه‌هایی که در آن زمان در زمینه‌ی گاه‌نگاری دوره‌های مختلف حسنلو حاکم بود مدنیت دوره‌ی سوم ب محوطه را اورارتویی نخوانده است.

ظروف و اشیای شیشه‌ای که از حسنلو کشف شده موضوع بحث در بخش‌های سوم و چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد. فون سالدرن در سال ۱۹۶۶ میلادی در مورد شیشه‌های مکشوفه از حسنلو مطالعه کرده بود، اما محور مطالعه‌ی وی فن‌آوری ساخت این اشیا بود (Marcus 1991, 537). مارکوس در مقاله‌ی حاضر شیشه‌های حسنلو را از دید سبک‌های هنری و اشاعه‌ی این سبک‌ها مطالعه می‌کند. شیشه‌های مکشوفه از حسنلو از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد. اولاً، به استثنای حسنلو از هیچ محوطه‌ی دیگری با هر قدمت در شمال غرب ایران اشیای شیشه‌ای کشف نشده است. هم‌چنین، اگر در گستره‌ی جغرافیایی وسیع‌تر به قضیه نگاه کنیم، قدمت شیشه‌های مکشوفه از حسنلو به دوره‌ی بعد از عصر مفرغ بر می‌گردد. این امر یکی از دلایل اهمیت شیشه‌های حسنلو است، زیرا اولاً طی این برهه شیوه‌ی پایه‌ای جدیدی در صنعت تولید شیشه در خاور نزدیک به ظهور رسیده (Stapleton 2011, 87) و ثانیاً از این برهه اشیای شیشه‌ای قابل توجهی در کاوش‌های علمی به دست نیامده است. این امر یکی از دلایل کمبود اطلاعات مربوط به صنعت شیشه‌گری در این مرحله‌ی انتقالی به شمار می‌رود و یافته‌های حسنلو به پر کردن این خلأ کمک می‌کند. اشیای شیشه‌ای حسنلو در سه نوع

مختلف شیشه، لعاب و بدل چینی دیده می‌شود و نتایج آزمایشات آنها با میکروسکوپ الکترونی و روش‌های laser ablation-inductively coupled plasma-mass spectrometry (LA-ICP-MS) و isotope fusion-oxygen laser نشان می‌دهد صنعت گران باستان آنها را با استفاده از ترکیب‌های متفاوتی از شن کوارتز، فلدسپار قلیایی، دولومیت، کانه‌ی مس، آلیاژهای مس، سرباره‌ی حاصل از تصفیه‌ی مس، کانه‌ی آنتیموان و کانه‌ی سرب تولید کرده‌اند. آزمایش ایزوتوپ اکسیژن این اشیاء نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که کوارتز به کاررفته در ساخت این شیشه‌ها از بیش از یک معدن استخراج شده است. هم‌چنین، اختلاف زیاد ترکیب عناصر اصلی و نسبت ایزوتوپ اکسیژن نشان می‌دهد این شیشه‌ها در کارگاه‌های متعددی ساخته شده است نه در یک کارگاه واحد. مواد اولیه و روش‌های به کاررفته در ساخت این شیشه‌ها بر گویای آن است که سازندگان آنها از مواد مختلف کاملاً به صورت آگاهانه و حساب‌شده بهره گرفته‌اند. شیشه‌های حسلو از نظر ترکیب عناصر اصلی با شیشه‌های مربوط به هزاره‌های دوم و اول ق.م. در مناطق دیگر تفاوت دارد. در نتیجه، نمونه‌های حسلو یا در مجاورت خود حسلو تولید شده یا از منطقه‌ای که هنوز برای پژوهشگران ناشناخته است به این محوطه وارد شده بود. بر اساس نتایج مطالعات تطبیقی، به نظر می‌رسد تقاضا برای اشیای شیشه‌ای سبب شده است تا دانش و تخصص شیشه‌گری به مراکز ثروت و قدرت در بین‌النهرین، مصر، مدیترانه‌ی شرقی و سراسر خاورمیانه و خاور نزدیک اشاعه یابد (Stapleton 2003; 2011).

طبق یافته‌های باستان‌شناسان، اکثر اشیای شیشه‌ای بزرگ از محوطه‌هایی یافت می‌شود که از مراکز مذهبی یا سیاسی مهم محسوب می‌شد. یکی از دلایل این امر دشواری حفظ و نگهداری دانش فنی و نیروی کار متخصص مورد نیاز برای ساخت شیشه بوده است (Oppenheim et al. 1970; Grose 1989). اشیای شیشه‌ای در روزگار باستان بسیار باارزش قلمداد می‌شد و به مقامات سیاسی اهدا می‌گردید (Lilyquist & Brill 1993). از محوطه‌ی باستانی نینوا در عراق که در قرن هفتم ق.م. پایتخت امپراطوری آشور بود، و محوطه‌ی هاتوسا، پایتخت امپراطوری هیتی، در ترکیه کتیبه‌هایی به دست آمده که گفته می‌شود در نوشته‌های روی آنها مراحل فرآوری و تولید شیشه توصیف شده است (Oppenheim 1970). شیشه‌های به دست آمده از حسلو امکان تطبیق اطلاعات موجود در این کتیبه‌ها را با شیوه‌های بالفعل به کاررفته در ساخت آنها فراهم می‌سازد. یکی دیگر از دلایل اهمیت شیشه‌های مکشوفه از حسلو آن است که بر روی آنها علاوه بر نقوش هندسی از نقوش و تزیینات شمایی نیز استفاده شده است (Marcus 1991, 537).

هزاران شیء فلزی و غیر فلزی که از طبقات مختلف حسلو کشف شده است امکان مطالعه و شناخت جنبه‌هایی از عادات رفتاری و تاریخ اجتماعی و سیاسی منطقه‌ی شمال غرب ایران را به ویژه در اواخر

قرن نهم ق.م. فراهم می‌سازد. طبق ادعای پژوهش‌گران آمریکایی، تنها از طبقه‌ی چهارم ب حسلو بیش از دو هزار شیء مفرغی و مسی به دست آمده است (Fleming, et al. 2011, 103). تعداد زیادی از این اشیا مربوط به زیورآلات شخصی زنان و دختران و مردان هستند. حسلو محوطه‌ای ایده‌آل برای مطالعه در زمینه‌ی هویت شخصی افراد به شمار می‌رود، زیرا در آن زیورآلات شخصی هم کنار اجساد داخل مقابر و هم کنار افرادی که در آتش‌سوزی محوطه در حدود سال ۸۰۰ ق.م. جان باخته بودند به دست آمده است (Rubinson & Marcus 1993, 130). یکی از گونه‌های این اشیا سنجاق‌هایی است که به صورت قالب‌ریزی مجسمه‌ی شیر از جنس مفرغ بر روی یک میله آهنی به روش جوش یا کتی ساخته شده است و در اصطلاح «سنجاق شیردیس» (lion bowl) نامیده می‌شود. این اشیای منحصر به فرد تاکنون غیر از حسلو در هیچ محوطه‌ی دیگری در دنیا کشف نشده است (Muscarella 2004, 693) و از مقوله‌های کاملاً شاخص اشیای محلی حسلو به شمار می‌رود که مطالعه‌ی آنها از جنبه‌های بسیاری سودمند می‌باشد.

در بخش هفتم کتاب حاضر دکتر ماسکارالا ضمن بررسی نمونه‌های این اشیا به ادعاها و دیدگاه‌های خانم دکتر میشل مارکوس پیرامون مسائل اجتماعی و طبقاتی و نقش زنان در جامعه‌ی حسلوی باستان پاسخ می‌دهد. در این مقاله مباحث جالبی پیرامون زندگی روزمره و آیین‌های مذهبی مردمان باستانی حسلو و سلاقی جنسیت‌ها و تفسیر قوانین و قواعد فرهنگ بومی و محلی آرایه می‌شود و کارکرد مذهبی یا غیر مذهبی این سنجاق‌ها تحلیل می‌گردد. موضوع این مقاله بیش از آن که باستان‌شناسی باشد مسائل فرهنگی است و، به قول دکتر ماسکارالا، پاسخی است به دیدگاه‌های خانم دکتر مارکوس که در پی کشیدن پای مباحث فمینیستی به ادوار باستان است. هم‌چنین، در این مقاله موضوع احتمال تعیین جنسیت اسکلت‌های به دست آمده از حسلو بر اساس اشیا و زیورآلات شخصی همراه آنها به بحث گذاشته می‌شود.

موضوع بحث در بخش آخر کتاب حاضر قطعات شکسته‌ی یک پلاک عاج آشوری است که از حسلو کشف شده است. در این مقاله پل کولیتز، موزه‌دار موزه‌ی بریتانیا، تفسیر دکتر ماسکارالا از شمایل‌های موجود روی این پلاک عاج را اصلاح کرده است. در مجموع‌ای یافته‌های حسلو قطعات شکسته‌ی مربوط به اشیای عاج بسیار زیادی وجود دارد و همان طوری که ماسکارالا اشاره کرده است مهم‌ترین اهمیت عاج‌های حسلو در زمینه‌ی تاریخ هنر و باستان‌شناسی خاور نزدیک صرف وجود آنها است، زیرا به صورت علمی از چند ساختمان عمومی و از محوطه‌ای مشخص کشف شده و محل کشف آنها معلوم و قطعی است. همین موضوع عاج‌های حسلو را بسیار بااهمیت می‌سازد. به علاوه، قدمت این عاج‌ها نیز کاملاً مستند است. در نتیجه، مجموعه‌ی عاج‌های حسلو در تاریخ‌گذاری

عاج‌های مکشوفه از محوطه‌های دیگر و نیز سایر آثار هنری از اهمیت شایانی برخوردار است. به علاوه، این مجموعه از هر دو نظر کمی و کیفی، پس از عاج‌های نمرود، بهترین مجموعه‌ی شناخته‌شده در خاور نزدیک به شمار می‌رود.

تاریخ‌گذاری قطعی عاج‌های حسنلو به قرن نهم ق.م، در کنار موضوع وجود برخی از گونه‌های عاج‌های منتسب به سوریه‌ی علیا و غیبت کامل عاج‌های فینیقی در این محوطه، در تعیین قدمت عاج‌های مکشوفه از محوطه‌های دیگر سودمند و راه‌گشا بوده است. برای نمونه، با مطالعه‌ی عاج‌های حسنلو تاریخ‌گذاری برخی از عاج‌های مکشوفه از نمرود، تل حلف و حمات (حمه) به قرن نهم ق.م، تأیید و تجدیدنظر در قدمت نمونه‌های دیگری از نمرود و محوطه‌های دیگر الزامی شده است. بر روی عاج‌های مکشوفه از حسنلو صحنه‌های مختلفی در قالب صحنه‌های رزم، صحنه‌های بزم و ضیافت، تمثال انسان، صحنه‌های پرندگان و جانوران و شکار و درختان و گیاهان نقش بسته است. اکثر این عاج‌ها ساخته‌ی دست هنرمندان خود حسنلو است، اما در بین آنها نمونه‌های وارداتی عمدتاً از سوریه‌ی علیا و آشور و تعدادی نیز از عاج‌های مناطق ایرانی دیده می‌شود (Muscarella 1980). مجموعه‌ی عاج‌های حسنلو را می‌توان گواه دیگری بر گسترده‌ی مناسبات حسنلو با ممالک دیگر دانست. هم‌چنین، نقوش و تصاویر روی این اشیا بخش دیگری از پازل تصویر زندگی روزمره‌ی ساکنان باستانی منطقه را در طی عصر آهن تکمیل می‌کند.

فهرست منابع مقدمه

- Dyson, R.H. Jr. 1963. Hasanlu Discoveries, 1962. *Archaeology* 16: 131-133.
- Dyson, R.H. Jr. 1989. "The Iron Age Architecture at Hasanlu: An Essay." *Expedition* 31 (2-3): 107-27.
- Dyson, R. H., Jr., and Muscarella, O.W. 1989. "Constructing the Chronology and Historical Implications of Hasanlu IV." *Iran* 27: 1-27.
- Fleming, S.J., Nash, S.K. & Swann, C.P. 2011. "The Archaeometallurgy of Period IVB Bronzes at Hasanlu." In M. de Schauensee (ed.) *Peoples and Crafts in Period IVB at Hasanlu*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press. Pp. 103-134.
- Fritz, V. 1987. "The Lion Bowl from Kinneret." *The Biblical Archaeologist* 50 (4): 232-240.
- Grose, D. F. 1989. *Early Ancient Glass*. New York: Hudson Hills Press.
- Lilyquist, C. & Brill, R. H. 1993. *Studies in Early Egyptian Glass*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Marcus, M.I. 1991. "The Mosaic Glass Vessels from Hasanlu, Iran: A Study in Large-Scale Stylistic Trait Distribution." *The Art Bulletin* 73 (4): 537-560.
- Muscarella, O.W. 1980. *The Catalogue of Ivories from Hasanlu, Iran*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Muscarella, O.W. 2004. "The Hasanlu Lion Pins Again." In A. Sagona (ed.) *A View from Highlands: Archaeological Studies in Honour of Charles Burney*. Ancient Near Eastern Studies, Supplement 12. Leuven: Peeters. Pp. 693-710.
- Oppenheim, A. L. 1970. "The Cuneiform Texts." In A.L. Oppenheim, R.H. Brill, D. Barag & A. von Saldern (eds.) *Glass and Glassmaking in Ancient Mesopotamia: An Edition of the Cuneiform Texts Which Contain Instructions for Glassmakers with a Catalogue of Surviving Objects*. New York: The Corning Museum of Glass. Pp. 1-104.
- Oppenheim, A.L., Brill, R.H., Barag, D. & von Saldern, A. (eds.). 1970. *Glass and Glassmaking in Ancient Mesopotamia: An Edition of the Cuneiform Texts Which Contain Instructions for Glassmakers with a Catalogue of Surviving Objects*. New York: The Corning Museum of Glass.
- Rubinson, K. & Marcus, M. 2005. "Hasanlu IVB and Caucasia: Explorations and Implications of Contexts." In A. Cilingiroglu, G. Darbyshire (eds.) *Anatolian Iron Ages 5: Proceedings of the Fifth Anatolian Iron Ages Colloquium Held at Van, 6-10 August 2001*. London: British Institute of Archaeology at Ankara.
- Stapleton, C.P. 2003. *Geochemical Analysis of Glass and Glaze from Hasanlu, Northwestern Iran: Constraints on Manufacturing Technology*. PhD. Dissertation, The University of Georgia.
- Stapleton, C.P. 2011. "Glass and Glaze Analysis and Technology from Hasanlu, Period IVB." In M. de Schauensee (ed.) *Peoples and Crafts in Period IVB at Hasanlu*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press. Pp. 87-102.
- van Loon, M.N. 1962. "A Lion Bowl from Hasanlu," *Expedition* 4: 14-19.